

پژوهشنامهٔ بختیاری‌شناسی و اقوام ایرانی
دوره ۴، شماره ۱ - شماره پیاپی ۶، بهار و تابستان ۱۴۰۴، صص ۱۴۳-۱۲۲

تحلیل تطبیقی شناخت کاربرد اجزای گیاهان از دیدگاه گروه‌های قومی منطقه سبزکوه، استان چهارمحال و بختیاری

حجت‌الله خدری غریب‌وند^۱، یونس خلیلی^۲، اسماعیل اسدی^۳
الهام قهساره اردستانی^۴، فاطمه عظیمی^۵، حسین آزادی^۶

چکیده

شناخت کاربردهای اجزای مختلف گیاهان از دیدگاه گروه‌های قومی، بازتابی از دانش بومی، تجربه زیسته و شیوه‌های معیشتی متفاوت اقوام در تعامل با منابع گیاهی است. دانشی که در بسترهای فرهنگی و اکولوژی شکل گرفته است و در تصمیم‌گیری‌های محلی و منطقه‌ای نقش مهمی ایفا می‌کند. این مطالعه به دنبال آن است که با مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های اقوام مختلف در زمینه شناخت کاربرد اجزای مختلف گیاهان به درکی چند لایه از رابطه انسان و گیاهان دست

^۱گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد

h.khedri@sku.ac.ir

^۲فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم و مهندسی مرتع، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه

شهرکرد، شهرکرد، ایران mykhalili67@gmail.com

^۳گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

asadi-es@sku.ac.ir

^۴گروه مهندسی طبیعت، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران

elham.ghesareh@gmail.com

^۵کارشناسی ارشد علوم و مهندسی مرتع، دانشکده منابع طبیعی و علوم زمین، دانشگاه شهرکرد،

شهرکرد، ایران azimiii137989@gmail.com

^۶پژوهشگر، دانشگاه گنت بلژیک. hossein.azadi@ugent.be

یابد. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی شناخت کاربردهای اجزای مختلف گیاهان از دیدگاه گروه‌های قومی لر، ترک و عرب در منطقه سبزکوه استان چهارمحال و بختیاری انجام شد. داده‌ها از طریق پرسشنامه ساختاریافته با مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت، گردآوری شدند. روایی پرسشنامه از طریق نظر کارشناسان منابع طبیعی که به منطقه و نسبت به بهره‌برداران شناخت داشتند و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ، تأیید شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون ناپارامتریک کروسکال والیس تحلیل شدند. نتایج نشان داد اقوام مورد مطالعه بیشترین شناخت را از کاربرد برگ گیاهان داشتند. درحالی‌که اجزایی مانند رزین، شیر و سایر محصولات جانبی کمترین امتیاز را به خود اختصاص دادند. بین گروه‌های قومی تنها در کاربرد ریشه تفاوت معنی‌دار مشاهده شد؛ در حالی‌که کاربردهای خوراکی، دارویی، علوفه‌ای، صنعتی و معنوی تفاوت معناداری ندارند. مطالعه تطبیقی گیاه قوم‌شناسی نه تنها به غنای علمی مطالعات گیاه‌قوم‌شناسی کمک می‌کند بلکه تعامل دانش سنتی و رویکردهای علمی در مدیریت منابع طبیعی را فراهم می‌کند. یافته‌های این تحقیق می‌توانند به عنوان پایه‌ای برای توسعه صنایع گیاهی، آموزش‌های محلی و سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای مورد بهره‌برداری قرارگیرند.

واژگان کلیدی: اقوام، دانش بومی، زیست بوم، گیاهان دارویی، معیشت.

۱- مقدمه

از دیرباز، گیاهان بخش جدایی‌ناپذیر از زندگی انسان بوده‌اند. بطوریکه نه تنها در تأمین غذا و درمان بیماری‌ها، بلکه در ساخت ابزار، آیین‌های مذهبی و شکل‌گیری باورهای فرهنگی نیز نقش بنیادینی ایفا کرده‌اند. این ارتباط دیرینه که حاصل تجربه‌های زیسته، مشاهده طبیعت و آزمون و خطا بوده به تدریج به شکل‌گیری دانشی منسجم و کاربردی منجر شده است که امروزه با عنوان «دانش بومی گیاهان» شناخته می‌شود (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۴). این دانش شامل آگاهی‌ها و تجربه‌های جوامع محلی است که در تعامل با محیط طبیعی و اجتماعی شکل گرفته و به صورت بین‌نسلی انتقال یافته است؛ بطوریکه می‌تواند در تولیدات و مدیریت منابع طبیعی نقش مؤثری داشته باشد (رضوی، ۱۳۹۳). اگرچه دانش بومی اغلب در قالب‌های غیررسمی و شفاهی جریان

دارد، با این وجود، دارای ساختار تجربی و نظام‌مند بوده و مستندسازی و تحلیل آن برای پاسداری از میراث زیستی، فرهنگی و ارتقای توسعه‌ی پایدار جوامع محلی به رسمیت شناخته شده است (یوسفوند و حائری‌نسب، ۱۴۰۴). در دل این نظام دانشی، شناخت کاربردهای اجزای مختلف گیاهان از منظر گروه‌های قومی یکی از ابعاد برجسته محسوب می‌شود. این کارکرد، بخشی از دانش بومی است که در پیوندی عمیق با تجربه‌های زیسته، زبان، آیین‌ها و نظام‌های طبقه‌بندی محلی شکل گرفته است. این شناخت، نه تنها شامل آگاهی از ویژگی‌های زیستی گیاهان، بلکه دربرگیرنده درک فرهنگی و عملکردی اندام‌هایی چون برگ، ریشه، ساقه، گل و میوه در زمینه‌های درمانی، تغذیه‌ای و آیینی است. به عنوان مثال، در طب سنتی در فرهنگ‌های مختلف، گیاه *Chalepensis ruta* به‌طور گسترده برای درمان بیماری‌های متعددی، از جمله عفونت‌ها و التهاب‌های مرتبط با چشم مستند شده است، به‌طوری‌که برگ‌های آن توسط جوامع محلی به‌صورت موضعی استفاده می‌شوند یا در داروهای گیاهی به‌کار می‌روند (Said et al., ۱۹۹۰).

در جوامع قومی، انتخاب اندام‌های مصرفی و شیوه‌های استفاده از آنها، بازتابی از سازگاری با محیط طبیعی، سبک زندگی و باورهای محلی است؛ دانشی که عمدتاً به‌صورت شفاهی و غیررسمی منتقل شده است و واجد منطق درونی و انسجام تجربی است (میردیلیمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ علی‌میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). در بستر این دانش بومی، تنوع قومی و اقلیمی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری الگوهای شناخت و کاربرد اندام‌های گیاهی دارد. هر گروه قومی ممکن است با توجه به شرایط زیستی، ساختار معیشتی و نظام‌های فرهنگی خاص، شیوه‌ای منحصر به فرد در انتخاب، فرآوری و مصرف اجزای گیاهان دارویی توسعه داده باشد. این تفاوت‌ها نه تنها در ترجیحات درمانی، بلکه در نام‌گذاری بومی، زمان برداشت و شیوه‌های ترکیب گیاهان نیز بازتاب یافته‌اند. به عنوان مثال، در مناطق کوهستانی، گیاهانی با اندام‌های مقاوم‌تر مانند ریشه و ساقه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ در حالی‌که در نواحی دشتی، برگ‌ها و گل‌ها

کاربرد غالب دارند. چنین تنوعی، حاصل سازگاری فرهنگی با محیط طبیعی و تجربه‌های زیسته در زیست‌بوم‌های متفاوت است؛ دانشی که در قالب ضرب‌المثل‌ها، آیین‌های شفابخشی و طبقه‌بندی‌های محلی تثبیت شده است و در نظریه‌های اتنوبوتانی و اتنواکولوژی به‌عنوان بازتابی از رابطه دوسویه انسان و گیاهان در بستر فرهنگ تحلیل می‌شود (میردیلمی و همکاران، ۱۳۹۳؛ جلالی و همکاران، ۱۴۰۲).

بررسی مطالعات تطبیقی اتنوبوتانی نشان می‌دهد جوامع محلی ترجیحات متفاوتی در انتخاب بخش‌های مختلف گیاه برای تهیه داروهای سنتی دارند؛ برخی گروه‌ها برگ‌ها را ترجیح می‌دهند در حالی که برخی دیگر بیشتر از ریشه یا سایر بخش‌ها استفاده می‌کنند که نشان می‌دهد زمینه اکولوژی و سنت‌های فرهنگی نقش مهمی در شکل‌گیری الگوهای بهره‌برداری از گیاهان دارویی دارد (Lulekal & Ashagre, ۲۰۲۱). در مناطق مختلف ایران، اقوام گوناگون با توجه به شرایط اقلیمی و فرهنگی از اجزای مختلف گیاهان مانند برگ، ریشه، ساقه، گل و دانه برای درمان بیماری‌ها، تغذیه، آیین‌های مذهبی و صنایع‌دستی بهره می‌گیرند (علی‌میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). به‌عنوان نمونه، در منطقه محمدآباد کتول، جوامع محلی بیش از ۷۰ گونه گیاه دارویی را برای درمان بیماری‌های گوارشی، تنفسی و پوستی مورد استفاده قرار می‌دهند که این کاربردها از طریق تجربه‌های زیسته و انتقال شفاهی حفظ شده است (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۴). در نواحی مرتفع اتیوپی، جوامع محلی تمایل بیشتری به استفاده از ریشه و پوست گیاهان دارند؛ در حالی که ساکنان مناطق پست‌تر ترجیح می‌دهند از برگ‌ها و گل‌ها بهره گیرند (Tadesse et al., ۲۰۲۴). بازتاب‌های عینی این تنوع قومی و زیستی را می‌توان در مطالعات میدانی مشاهده کرد؛ جایی که الگوهای محلی در انتخاب و مصرف اندام‌های گیاهی، به‌روشنی گویای پیوند عمیق فرهنگ، طبیعت و تجربه زیسته‌اند. بر همین اساس، بررسی مصادیق محلی دانش بومی به‌ویژه نحوه استفاده از اجزای گیاهان در میان اقوام مختلف درک ملموس‌تری از این نظام دانشی ارائه می‌دهد.

تنوع در کاربرد اجزای گیاهان، ظرفیت زیادی برای تحلیل تطبیقی دانش بومی و طراحی راهکارهای منطقه‌محور در درمان و حفاظت از منابع گیاهی فراهم می‌کند (دارابی محبی و همکاران، ۱۴۰۰). به‌عنوان مثال، مطالعات اتنوبوتانی در مناطق مختلف ایران نشان داده‌اند که برخی گونه‌های گیاهی دارویی مانند خارشتر (*Alhagi murorum*)، خارخاسک (*Tribulus terrestris*)، اسفرزه (*antago ovataPl*) و تاج‌ریزی (*solanum Nigrum*)، در میان اقوام مختلف کاربردهای مشابهی دارند، اما نوع اندام مصرفی و شیوه استفاده ممکن است متفاوت باشد (براهوئی و همکاران، ۱۴۰۲؛ دارابی محبی و همکاران، ۱۴۰۰). این تفاوت‌ها اغلب ناشی از شرایط اقلیمی، دسترسی به منابع و باورهای فرهنگی خاص هر قوم است که در قالب دانش بومی و تجربه‌های زیسته شکل گرفته‌اند (دارابی محبی و همکاران، ۱۴۰۰). علاوه بر این، گیاه خارخاسک در ایرانشهر برای درمان بیماری‌های کلیوی و در کازرون برای دفع سنگ کلیه استفاده می‌شود؛ بطوریکه شیوه مصرف آن از جوشانده تا ضماد متغیر است (براهوئی و همکاران، ۱۴۰۲). این هم‌پوشانی کارکردی در کنار تفاوت‌های محلی، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری دانش قومی و قابلیت آن در تلفیق با رویکردهای علمی برای توسعه درمان‌های بومی‌محور است (دارابی محبی و همکاران، ۱۴۰۰). در کنار این تنوع کاربردی و کارکردی زبان نیز به‌عنوان یکی از ابزارهای کلیدی انتقال دانش گیاه‌نگاری، نقش مهمی در تثبیت و تداوم کاربردهای قومی ایفا می‌کند؛ به‌ویژه از طریق نام‌های محلی که بازتابی از تجربه زیسته و نظام‌های طبقه‌بندی فرهنگی هستند. در همین راستا، نام‌های محلی گیاهان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمودهای زبانی این دانش، نقش کلیدی در تثبیت و انتقال آن ایفا می‌کنند؛ بطوریکه بررسی نمونه‌های میدانی از جوامع محلی، ابعاد عینی‌تری از این تنوع قومی و عملکردی را آشکار می‌سازد.

در سال‌های اخیر، مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه گیاه‌شناسی قومی نشان داده‌اند که دانش بومی مرتبط با استفاده از گیاهان در جوامع محلی ایران نه تنها در شناسایی ظرفیت‌های بومی برای بهره‌برداری پایدار از منابع گیاهی مؤثر بوده بلکه در تحلیل

نحوه‌ی کاربرد گیاهان در بین گروه‌های قومی مختلف نیز نقش مهمی ایفا کرده است (محبوب و همکاران، ۱۴۰۲). در همین راستا، تمرکز بر نحوه بهره‌برداری اقوام از اجزای گیاهان دارویی، دریچه‌ای جدید برای فهم لایه‌های فرهنگی و عملکردی این دانش بومی گشوده است. نمونه‌ای بارز از این پیوند میان دانش بومی و بهره‌برداری قومی از گیاهان دارویی را می‌توان در منطقه سبزکوه مشاهده کرد. در چشم‌انداز زیست‌اقلمی منطقه سبزکوه، رابطه انسان با گیاهان فراتر از بهره‌برداری معیشتی، به‌مثابه بستری برای شکل‌گیری دانش قومی و فرهنگی جلوه‌گر شده است. اقوام لر، ترک و عرب ساکن این منطقه، با اتکا به حافظه زیستی و تجربه‌های نسل‌به‌نسل، اجزای مختلف گیاهان را در حوزه‌هایی چون درمان بیماری‌ها، تغذیه روزمره، آیین‌های اجتماعی و تولیدات سنتی به‌کار می‌گیرند. به‌عنوان نمونه، در این منطقه برگ گیاهانی مانند پونه و آویشن شیرازی برای تهیه جوشانده‌های ضدنفخ، بذر اسفرزه برای درمان مشکلات گوارشی، ریشه خارشتر برای دفع سنگ کلیه و گل ختمی در مناسک آیینی به‌عنوان نماد آرامش و تطهیر کاربرد دارند. این تنوع در انتخاب اندام‌های گیاهی، بازتابی از نظام‌های ارزشی، باورهای آیینی و نیازهای زیستی هر قوم است که در دل تجربه‌های زیسته شکل گرفته‌اند. مطالعه این اجزا از منظر قومی، امکان بازسازی الگوهای بومی در مدیریت منابع طبیعی و طراحی برنامه‌های آموزشی، حفاظتی و توسعه‌محور را فراهم می‌سازد. از این‌رو، تمرکز بر اجزای گیاهان در مطالعات گیاه‌قوم‌شناسی، ضرورتی راهبردی برای حفظ میراث فرهنگی و ارتقای تاب‌آوری زیست‌محیطی جوامع محلی به‌شمار می‌آید.

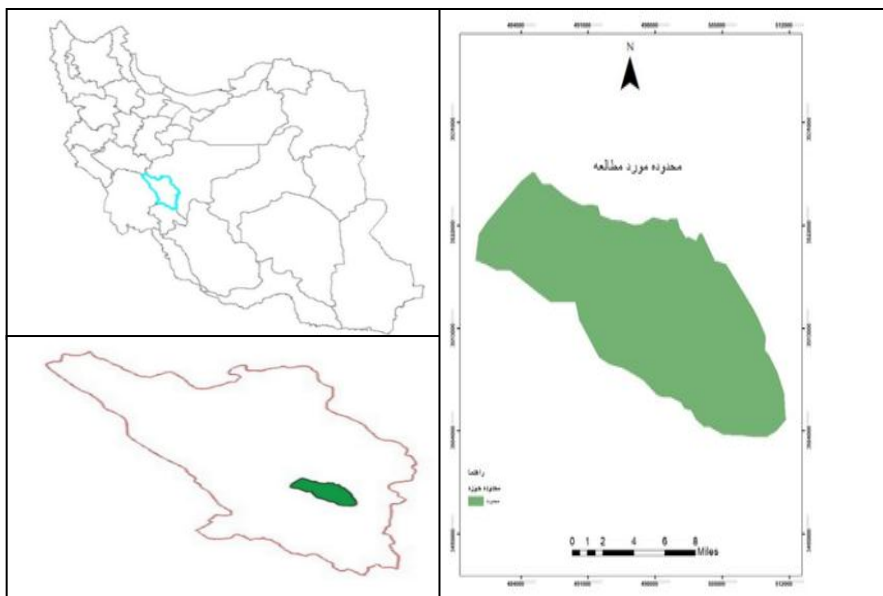
در مواجهه با چالش‌هایی چون تخریب پوشش گیاهی، فشار دام‌مازاد و تغییرات اقلیمی، بهره‌گیری از دانش بومی گروه‌های قومی بهره‌بردار منطقه سبزکوه می‌تواند به‌عنوان راهبردی مؤثر در بازنگری سیاست‌های مدیریت گونه‌های گیاهی چندمنظوره باشد. تحلیل دیدگاه‌های قومی درباره اجزای گیاهان، به‌ویژه در زمینه‌های درمانی، آیینی و معیشتی، می‌تواند به شناسایی نقاط قوت و تفاوت‌های فرهنگی منجر شود که

در طراحی برنامه‌های محلی نقش کلیدی دارند. با وجود انجام مطالعات متعدد در زمینه گیاه‌قوم‌شناسی در ایران، تاکنون بررسی تطبیقی شناخت کاربرد اجزا مختلف گیاهان در میان اقوام ساکن منطقه سبزکوه انجام نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تفاوت‌ها و شباهت‌های الگوهای شناخت گیاهان را در میان سه گروه قومی لر، ترک و عرب مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد.

۲- مواد و روش‌ها

۲-۱- منطقه مورد مطالعه

استان چهارمحال و بختیاری با وسعت یک میلیون و ۶۴۰ هزار هکتار، حدود ۳۳۵ هزار هکتار جنگل و یک میلیون و ۹۳ هزار هکتار مرتع را در برمی‌گیرد. در این استان، ۲۲ هزار خانوار بهره‌بردار مجاز و حدود ۳ برابر این تعداد بهره‌بردار غیرمجاز وجود دارد. ظرفیت مراتع استان برای چرای حدود ۷۵۰ هزار واحد دامی مجاز برآورد شده است. منطقه کوهستانی سبزکوه در استان چهارمحال و بختیاری به واسطه تنوع زیستی بالا و هم‌زیستی اقوام مختلف، ظرفیت قابل‌توجهی برای مطالعات قوم‌نگاری گیاهی و مدیریت پایدار منابع طبیعی دارد. این منطقه با وسعتی بالغ بر ۵۴,۲۰۰ هکتار در ۱۱۳ کیلومتری مرکز استان چهارمحال و بختیاری، بین طول‌های جغرافیایی "۵۰°۲۳'۳۷" تا "۵۱°۱۵'۰۲" شرقی و عرض‌های "۳۱°۲۹'۵۵" تا "۵۵°۵۹'۳۱" شمالی واقع شده است. اقلیم منطقه سبزکوه تحت تأثیر جریان‌های مدیترانه‌ای قرار دارد؛ بخش جنوبی آن خشک و سرد و سایر نواحی نیمه‌خشک و سرد هستند. میانگین دمای سالانه ۶/۷ درجه سانتی‌گراد و میانگین بارندگی سالانه حدود ۸۶۰ میلی‌متر است. پوشش گیاهی منطقه بسته به شیب و ارتفاع، تنوع قابل‌توجهی دارد. در شیب‌های شمالی و شرقی، گونه‌های نیمه‌استپی غالبند؛ در شیب‌های جنوبی، پوشش جنگل‌های خشک دیده می‌شود و در ارتفاعات گونه‌های مناطق آلبی حضور دارند.



شکل ۱- موقعیت منطقه مورد مطالعه (سبزکوه) در استان و کشور

۳- روش‌شناسی تحقیق

این مطالعه از نظر روش تحقیق، ترکیبی از مطالعات کتابخانه‌ای، توصیفی، میدانی و تحلیلی است. برای سنجش دیدگاه‌های گروه‌های ذی‌نفع از ابزار پرسش‌نامه استفاده شد. تحقیق حاضر از نظر هدف، کاربردی است و جامعه آماری شامل بهره‌برداران بومی (قوم لر) و بهره‌برداران غیربومی (اقوام ترک و عرب) بودند. با توجه به اینکه در مطالعات اتنوبوتانی، انتخاب اطلاع‌رسان‌های خبره نقش تعیین‌کننده‌ای در اعتبار داده‌ها دارد، در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند (Sampling Purposive) استفاده شد. از آنجایی که در مطالعات اتنوبوتانی تبحر، مهارت و شناخت و دانش پاسخگویان اهمیت زیادی دارد، در این راستا، مطلعان کلیدی از ذینفعان محلی شامل ریش سفیدان و بهره‌برداران مرتعی انتخاب شدند که آشنایی سستی با گیاهان داشتند. در نهایت، از سه گروه قومی لر، ترک و عرب به ترتیب ۳۳، ۲۵ و ۲۷ نفر انتخاب شدند. مؤلفه‌های

مورد بررسی شامل کاربرد اجزای مختلف گیاهان از جمله ریشه، ساقه، برگ، گل، میوه و سایر اجزا و محصولات مرتبط با آن‌ها بود. معیارهای مورد ارزیابی، صرفاً اجزای مورد مصرف و استفاده گیاهان بودند؛ در این مطالعه، هدف مقایسه سه گروه قومی از نظر کاربرد این اجزای گیاهان است که مطالعات گذشته کمتر به آن پرداخته‌اند. در چارچوب تحقیق، پرسش‌نامه‌ای با مقیاس رتبه‌ای و طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد») طراحی شد. پرسش‌نامه‌ها براساس اهداف، سؤالات و فرضیه‌های پژوهش تنظیم گردیدند و به‌گونه‌ای طراحی شدند که ضمن پوشش کامل اهداف تحقیق، برای پاسخ‌دهندگان نیز شفاف، ساده و قابل فهم باشند. پرسشنامه حضوری تکمیل شد. در حین تکمیل پرسشنامه از پرسش شوندگان مصاحبه نیز صورت گرفت و اطلاعات تکمیلی یادداشت برداری شد. روایی محتوایی پرسشنامه با توجه به نظرات کارشناسان منابع طبیعی مورد تایید قرارگرفت. اعتبار پرسشنامه با آلفای کرونباخ به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی اعتبار ابزار تحقیق تایید شد. برای مقایسه معیارهای مورد بررسی در ارتباط با سه گروه بهره‌بردار، به دلیل ماهیت رتبه‌ای متغیرها و عدم نرمال بودن توزیع از آزمون کروسکال والیس استفاده شد. از آزمون تعقیبی کروسکال والیس برای میزان معناداری استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نمودارهای تحلیلی نیز در محیط Excel ترسیم شدند.

۴- نتایج

۴-۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اجتماعی پاسخگویان

براساس نتایج جدول ۱، توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب سن نشان می‌دهد که الگوی سنی گروه‌های مورد مطالعه تفاوت قابل توجهی دارد. در میان گروه قومی لر، بیشترین سهم مربوط به گروه سنی بیش از ۵۰ سال با ۶۹/۷۰ درصد و کمترین سهم مربوط به گروه کمتر از ۳۰ سال با ۶/۰۶ درصد است. در ارتباط با گروه قومی ترک، بیشترین سهم مربوط به گروه سنی بیش از ۵۰ سال با ۳۶ درصد و کمترین سهم

مربوط به گروه کمتر از ۳۰ سال با ۱۲ درصد است. گروه قومی عرب نیز بیشترین سهم مربوط به گروه سنی بیش از ۵۰ سال با ۷۰/۳۸ درصد و کمترین سهم مربوط به گروه‌های ۳۰-۴۰ سال و کمتر از ۳۰ سال با ۱۱/۱۱ درصد است. بطور کلی گروه‌های جوان‌تر سهم و مشارکت کمتری در این مطالعه داشتند.

براساس نتایج جدول ۲، توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطح سواد و تحصیلات نشان می‌دهد که ترکیب آموزشی گروه قومی لر و عرب تفاوت اساسی دارد. با این وجود گروه قومی ترک بهره‌برداران تا مقطع کارشناسی تحصیلات دارند. در میان گروه قومی لر، بیشترین سهم مربوط به افراد کم سواد (صرفاً خواندن و نوشتن) با ۵۷/۵۸ درصد است و پس از آن بیسواد با ۲۱/۲۱ درصد قرار دارد؛ تعداد محدودی نیز دارای مدرک دیپلم (۹/۰۹ درصد) هستند. در گروه قومی ترک، بیشترین سهم مربوط به افراد دیپلم با ۴۰ درصد است و پس از آن تعداد افراد بیسواد و سواد خواندن و نوشتن ۲۴ درصد قرار دارد. در گروه قومی عرب بیشترین سهم مربوط به افراد بیسواد با ۵۵/۵۶ درصد است و پس از آن تعداد افراد در مقاطع راهنمایی و دیپلم با ۷/۴۰ درصد قرار دارد.

جدول ۱- توزیع فراوانی پرسش شوندگان بر حسب سن

طبقات سنی (سال)	لر	ترک		عرب	
		درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی
کمتر از ۳۰ سال	۲	۶/۰۶	۳	۱۲	۳
۳۰-۴۰ سال	۳	۹/۰۹	۵	۲۰	۳
۴۰-۵۰ سال	۵	۱۵/۱۵	۸	۳۲	۴
بیش از ۵۰ سال	۲۳	۶۹/۷۰	۹	۳۶	۱۷
جمع	۳۳	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۲۷

جدول ۲- توزیع فراوانی پرسش شوندگان بر حسب سطح سواد و تحصیلات

سطح تحصیلات	لر		ترک		عرب	
	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی	فراوانی	درصد فراوانی
بیسواد	۷	۲۱/۲۱	۶	۲۴	۱۵	۵۵/۵۶
خواندن و نوشتن	۱۹	۵۷/۵۸	۶	۲۴	۸	۲۹/۶۲
راهنمایی	۴	۱۲/۱۲	۱	۴	۲	۷/۴۰
دیپلم	۳	۹/۰۹	۱۰	۴۰	۲	۷/۴۰
فوق دیپلم	۰	۰	۰	۰	۰	۰
کارشناسی	۰	۰	۲	۸	۰	۰
کارشناسی ارشد	۰	۰	۰	۰	۰	۰
دکتری	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۳۳	۱۰۰	۲۵	۱۰۰	۲۷	۱۰۰

نتایج تجزیه و تحلیل آماری معیارهای شناخت کاربردهای مختلف گیاهان برای قوم لر در جدول ۳ ارائه شده است. براساس آنالیز توصیفی گروه قومی لر، بیشترین اولویت را به کاربرد برگ با میانگین عددی ۳/۹۳، گل ۲/۹۶ و ریشه ۲/۸۴ اختصاص دادند. کمترین میانگین با مقدار عددی ۱/۷۲ مربوط به سایر اجزای گیاهان تعلق داشت. با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل آزمون استنباطی کروسکال والیس بین شش معیار شناخت کاربردهای مختلف گیاهان برای قوم لر اختلاف معنی دار مشاهده شد.

نتایج تجزیه و تحلیل آماری معیارهای شناخت کاربردهای مختلف گیاهان برای قوم ترک در جدول ۴ ارائه شده است. براساس آنالیز توصیفی گروه قومی ترک، بیشترین اولویت را به کاربردهای برگ با میانگین عددی ۳/۴۸، گل ۲/۷۲ و ساقه ۲/۵۶ اختصاص دادند. کمترین میانگین با مقدار عددی ۱/۷۶ مربوط به معیار سایر اجزای گیاهان تعلق داشت. با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل آزمون استنباطی کروسکال والیس

بین شش معیار شناخت کاربردهای مختلف گیاهان برای قوم ترک اختلاف معنی‌دار مشاهده شد.

جدول ۳- مقایسه شناخت کاربردهای اجزای مختلف گیاهان برای قوم بهره‌بردار لر

اجزای مختلف گیاهان		آمار توصیفی		آمار استنباطی	
معیار	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	آزمون کروسکال والیس	معنی‌داری
ریشه	۲/۸۴ab	۰/۷۹	۰/۱۳	۷۵/۸۳	۰/۰۰
ساقه	۲/۷۵ab	۰/۵۶	۰/۰۹		
برگ	۳/۹۳a	۰/۷۰	۰/۱۲		
گل	۲/۹۶ab	۰/۹۵	۰/۱۶		
میوه	۲/۵۱ab	۱/۰۶	۰/۱۸		
سایر اجزا و محصولات	۱/۷۲b	۰/۸۰	۰/۱۴		

توضیح: حروف غیرمشترک نشان‌دهنده اختلاف آماری میانگین ($\pm$ خطای معیار) در سطح پنج درصد است.

جدول ۴- مقایسه شناخت کاربردهای اجزای مختلف گیاهان برای قوم بهره‌بردار ترک

اجزای مختلف گیاهان		آمار توصیفی		آمار استنباطی	
معیار	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	آزمون کروسکال والیس	معنی‌داری
ریشه	۲/۴۸ab	۰/۷۷	۰/۱۵	۲۸/۲۷	۰/۰۰
ساقه	۲/۵۶ab	۱/۰۴	۰/۲۰		
برگ	۳/۴۸a	۱/۰۴	۰/۲۰		
گل	۲/۷۲ab	۱/۴۲	۰/۲۸		
میوه	۲/۴۴ab	۱/۳۲	۰/۲۶		
سایر اجزا و محصولات	۱/۷۶b	۱/۰۱	۰/۲۰		

توضیح: حروف غیرمشترک نشان‌دهنده اختلاف آماری میانگین ($\pm$ خطای معیار) در سطح پنج درصد است.

نتایج تجزیه و تحلیل آماری معیارهای شناخت کاربردهای مختلف گیاهان برای قوم عرب در جدول ۵ ارائه شده است. براساس آنالیز توصیفی گروه قومی عرب، بیشترین اولویت را به کاربردهای برگ با میانگین عددی ۴/۱۱، گل ۲/۵۹ و ساقه ۲/۳۳ اختصاص دادند. کمترین میانگین با مقدار عددی ۱/۶۲ مربوط به معیار سایر اجزای گیاهان تعلق داشت. با توجه به نتایج تجزیه و تحلیل آزمون استنباطی کروسکال والیس بین شش معیار شناخت کاربردهای مختلف گیاهان برای قوم عرب اختلاف معنی دار مشاهده شد.

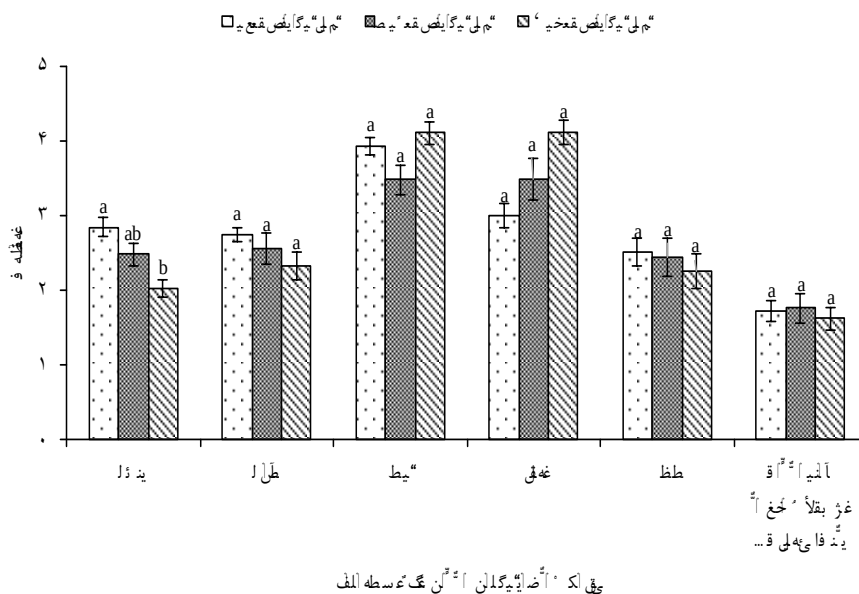
جدول ۵- مقایسه شناخت کاربردهای اجزای مختلف گیاهان برای قوم بهره‌بردار عرب

اجزای مختلف گیاهان		آمار توصیفی		آمار استنباطی	
معیار	میانگین	انحراف معیار	خطای معیار	آزمون کروسکال والیس	معنی‌داری
ریشه	۲/۰۳ab	۰/۶۴	۰/۱۲	۶۴/۶۷	۰/۰۰
ساقه	۲/۳۳ab	۱/۰۰	۰/۱۹		
برگ	۴/۱۱a	۰/۸۰	۰/۱۵		
گل	۲/۵۹ab	۰/۸۴	۰/۱۶		
میوه	۲/۲۵ab	۱/۲۲	۰/۲۳		
سایر اجزا و محصولات	۱/۶۲b	۰/۷۹	۰/۱۵		

توضیح: حروف غیرمشترک نشان‌دهنده اختلاف آماری میانگین ($\pm$ خطای معیار) در سطح پنج درصد است.

در بررسی معیارهای شناخت کاربردهای اجزای مختلف گیاهان، نتایج تجزیه و تحلیل آزمون استنباطی کروسکال والیس در شکل ۲ نشان داد معیار ریشه بین سه گروه بهره‌برداران قوم لر، ترک و عرب تفاوت معنی‌داری در سطح پنج درصد مشاهده شد. بطور دقیق‌تر اختلاف معنی‌دار بین گروه قومی لر و عرب مشاهده شد، به احتمال زیاد با توجه به سابقه سکونت و شناخت از گیاهان و اینکه بومی منطقه‌اند و اغلب در ارتفاعات کوهستانی حضور دارند از کاربرد ریشه گیاهان شناخت بیشتری داشته‌اند.

اینکه در مناطق کوهستانی بهره‌برداران از ریشه گیاهان بیشتر استفاده می‌کنند در مطالعات متعددی مستند شده است. سه گروه بهره‌برداران قوم لر، ترک و عرب در پنج معیار دیگر ساقه، گل، برگ، میوه و سایر اجزا اختلاف معنی‌دار ندارند. در بین اجزای گیاهان، برگ بیشتر میانگین را به خود اختصاص داد؛ از جمله دلایل احتمالی از جمله دسترسی آسان‌تر برگ، کاربرد بیشتر در دمنوش‌ها و غذاهای محلی و امکان برداشت بدون آسیب شدید به گیاهان را می‌توان ذکر کرد.



شکل ۲- نمودار اهمیت نسبی شناخت کاربردهای مختلف گیاهان بین سه گروه بهره‌بردار

توضیح: حروف غیرمشترک نشان‌دهنده اختلاف آماری میانگین ($\pm$ خطای معیار) در سطح پنج درصد است.

۵- بحث

بررسی نتایج نشان داد که هر سه گروه قومی مورد مطالعه (لر، ترک و عرب) بیشترین شناخت و کاربرد را به برگ گیاهان اختصاص دادند که این امر بیانگر اهمیت ویژه و مشترک این بخش از گیاه در سبد غذایی و فرهنگ دارویی- خوراکی هر سه قوم

است. پس از برگ، گل دومین اولویت مشترک در بین هر سه گروه بوده است. نکته قابل توجه اینکه کمترین اولویت در هر سه گروه قومی به سایر اجزای گیاهان (مانند پوست، صمغ و...) تعلق دارد. از سوی دیگر، آزمون کروسکال والیس نشان داد که بین سه قوم تنها در معیارریشه اختلاف معنی‌داری وجود دارد و در پنج معیار دیگر (ساقه، گل، برگ، میوه و سایر اجزا) تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. این یافته بیانگر آن است که علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و قومی، درک و شناخت عمومی از کاربردهای اجزای مختلف گیاهان در میان بهره‌برداران تا حد زیادی مشترک و همگن بوده است و صرفاً در استفاده از ریشه گیاهان، رویکردهای قومی متفاوت از یکدیگر عمل کرده‌اند.

نحوه بهره‌برداری اقوام مختلف از اجزای گیاهان مرتعی، مستلزم نگاهی فراتر از داده‌های کمی و آماری است؛ چرا که این رفتارها ریشه در ساختارهای فرهنگی، تجربه‌های زیسته و نظام‌های دانشی بومی دارند. منطقه سبزکوه، با برخورداری از تنوع قومی و زیستی، بستری منحصربه‌فرد برای تحلیل تطبیقی این الگوها فراهم کرده است. بررسی داده‌ها از سه قوم لر، ترک و عرب نشان می‌دهد که ترجیحات آنان در استفاده از اندام‌های گیاهی، نه تنها بازتابی از نیازهای معیشتی، بلکه حاصل تعامل تاریخی و فرهنگی با محیط طبیعی پیرامون است. مطالعه‌ای از Jahangeer و همکاران (۲۰۲۴) در پارک ملی غاموت (Ghamot National Park) در هیمالیا غربی آزد جمو و کشمیر، پاکستان نشان داد که جوامع بومی دانش وسیعی از کاربرد گیاهان دارویی برای درمان بیماری‌های دام دارند و بخش‌های مختلف گیاه را برای کاربردهای درمانی متفاوت مورد استفاده قرار می‌دهند. به‌طوری‌که ریشه‌ها ۴۶ درصد از قسمت‌های گیاهی مورد استفاده را تشکیل می‌دهند و پس از آن دیگر بخش‌ها قرار دارند؛ این الگو می‌تواند نشان‌دهنده تنوع فرهنگی در شناخت و کاربرد بخش‌های گیاهی باشد که در مقایسه با سایر الگوهای اتنو-دامپزشکی در جوامع محلی قابل بررسی است. رضایی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای در منطقه الیگودرز نیز تأکید دارند که قوم لر، به‌ویژه در درمان‌های دامپزشکی از ریشه گیاهان برای درمان بیماری‌های دامی بهره می‌گیرند و

این دانش نسل به نسل منتقل شده است. در ادامه، با تکیه بر نتایج آماری، به تحلیل تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در شناخت و کاربرد اجزای مختلف گیاهان در میان این سه گروه قومی پرداخته می‌شود.

در ارتباط گروه قومی لر (بختیاری)، برگ با میانگین $3/93$ بالاترین جایگاه را دارد و پس از آن، گل با میانگین $2/96$ در رتبه دوم قرار گرفته است. این الگو نشان می‌دهد که قوم لر، به‌ویژه در زمینه درمان‌های سنتی و دامپزشکی، توجه ویژه‌ای به برگ و گل گیاهان دارند. در مقابل، سایر اجزا با میانگین $1/72$ کمترین میزان کاربرد را داشته‌اند. در میان بهره‌برداران قوم ترک نیز، برگ با میانگین $3/48$ بیشترین کاربرد را دارد، هرچند این مقدار نسبت به قوم لر اندکی پایین‌تر است. سایر اجزا با میانگین $1/76$ کمترین میزان استفاده را نشان می‌دهند. گل با میانگین $2/72$ در جایگاه میانی قرار گرفته است. قوم ترک در مقایسه با قوم لر، شناخت نسبتاً یکسانی از اجزای مختلف گیاهان دارد، اما تمرکز آن‌ها بر برگ همچنان غالب است. مطالعه‌ای توسط Yeşil و همکاران (۲۰۱۹) در منطقه Yeşilli شهرستان ماردین (جنوب شرقی ترکیه) که جمعیتی چندفرهنگی شامل ترک‌زبان‌ها دارد نشان داد جوامع محلی دانش وسیعی درباره گیاهان وحشی خوراکی دارند و بیشترین سهم مصرف در غذاهای محلی، چاشنی‌ها و سبزی‌ها به بخش‌های هوایی گیاهان، به‌ویژه برگ‌ها، اختصاص دارد؛ این الگو اهمیت فرهنگی مصرف برگ‌ها در سنت غذایی ترک‌زبانان منطقه را نشان می‌دهد و با برخی الگوهای دیگر قوم‌ها در شناخت و کاربرد اجزای مختلف گیاهان قابل مقایسه است. مطالعه‌ای در آذربایجان شرقی توسط علی میرزایی و همکاران (۱۳۹۷) نشان داد که برگ گیاهان در فرهنگ خوراکی ترک‌زبانان جایگاه ویژه‌ای دارد و در تهیه غذاهای سنتی مانند آش‌ها و دمنوش‌ها کاربرد گسترده‌ای دارد. این الگو می‌تواند ناشی از کاربرد گسترده برگ در تهیه چاشنی‌ها، دمنوش‌ها و فرآورده‌های خوراکی باشد که در فرهنگ ترک‌زبانان منطقه رواج دارد. در قوم عرب، برگ با میانگین $4/11$ بالاترین مقدار را به خود اختصاص دادند و از سایر اقوام نیز فراتر رفته است. این امر نشان‌دهنده وابستگی

عمیق این گروه به برگ گیاهان در مصارف روزمره، درمانی و آیینی است. سایر اجزا با میانگین $1/62$ کمترین میزان کاربرد را داشته است. معیار ریشه با میانگین $2/03$ پایین‌ترین مقدار را در میان سه گروه نشان می‌دهد. در حالی که قوم ترک در این معیار با دو گروه دیگر تفاوت معناداری نشان نمی‌دهد.

مقایسه تطبیقی سه گروه قومی نشان می‌دهد که اگرچه برگ در هر سه گروه جایگاه نخست را دارد، اما شدت وابستگی به آن در قوم عرب به مراتب بیشتر است. در مقابل، قوم لر (بختیاری) بیشترین شناخت و کاربرد را نسبت به ریشه گیاهان نشان داده‌اند؛ امری که می‌تواند ریشه در پیشینه درمان‌های سنتی و دامپزشکی این قوم داشته باشد. قوم ترک در اغلب معیارها در موقعیت میانی قرار دارد و الگوی مصرف آن‌ها نسبتاً متعادل‌تر است. این تفاوت‌ها، در آزمون‌های آماری نیز تأیید شده‌اند، بازتابی از تنوع فرهنگی، معیشتی و زیست‌محیطی اقوام منطقه سبزکوه هستند. نتایج تجزیه و تحلیل آماری در این پژوهش نشان داد که در میان شش معیار بررسی‌شده برای شناخت کاربردهای اجزای مختلف گیاهان، معیار برگ در هر سه گروه قومی لر، ترک و عرب بالاترین میانگین را به خود اختصاص داد. اینکه برگ در هر سه قوم بیشترین اهمیت را داشته است را می‌توان به مواردی از قبیل دسترسی و قابلیت برداشت آسان‌تر برگ نسبت داد. مطالعات اخیر به اهمیت بیشتر برگ نسبت به سایر بخش‌ها پرداخته‌اند و به دلایلی از جمله دسترسی آسان‌تر برگ، کاربرد بیشتر در دمنوش‌ها و غذاهای محلی و امکان برداشت بدون آسیب شدید به گیاهان اشاره کرده‌اند. در ارتباط با گروه قومی ترک و عرب که کاربرد برگ گیاهان را نسبت به سایر بخش‌ها برجسته کرده‌اند احتمالاً به دلیل سکونت در مناطق دشتی و با ارتفاع کمتر باشد بطوریکه در مطالعات اخیر استفاده گروه‌های قومی از برگ گیاهان نسبت به سایر بخش‌ها مستند شده است (Tadesse et al., 2024). این یافته بیانگر آن است که برگ، به‌عنوان پرکاربردترین اندام گیاهی، جایگاه ویژه‌ای در نظام دانشی، درمانی و معیشتی اقوام منطقه دارد. در مقابل، معیار سایر اجزا و محصولات شامل رزین، شیره و اندام‌های فرعی، در هر سه

گروه کمترین میانگین را داشته و نشان‌دهنده کاربرد محدودتر این اجزا در زندگی روزمره بهره‌برداران است.

بررسی الگوهای قومی در شناخت اجزای گیاهان نشان داد که هر قوم، با توجه به پیشینه فرهنگی، نوع تعامل با طبیعت و نیازهای معیشتی، نظامی خاص از ارزش‌گذاری و کاربرد اندام‌های گیاهی را شکل داده است. این تفاوت‌ها نه تنها در ترجیحات مصرفی، بلکه در معناهای نمادین و آیینی اجزا نیز قابل مشاهده‌اند. یافته‌های مطالعات تطبیقی در اتیوپی نشان شد که سه گروه قومی مختلف از یک گونه گیاهی مشابه استفاده می‌کنند، اما هر یک بخش متفاوتی از گیاه را برای درمان بیماری‌های خاص به کار می‌برند (Tamene et al., ۲۰۲۳). در پژوهش‌های اتنوبوتانی انجام‌شده در شمال اتیوپی، گیاه *Lamiifolium Ocimum* توسط جوامع محلی به‌طور گسترده برای درمان سردرد و بیماری‌های تب‌دار مستند شده است، به‌طوری که برگ‌های خرد شده آن به همراه قهوه یا چای تهیه و مصرف می‌شوند تا علائم را کاهش دهند (Tadesse et al., ۲۰۲۴). علاوه بر این، در مطالعه ای دیگر، نشان داده شد قوم هادیا از برگ‌های خرد شده گیاه *Lamiifolium Ocimum* برای درمان سردرد استفاده می‌کند (Tadesse et al., ۲۰۲۴).

۶- نتیجه‌گیری

این مطالعه با تمرکز بر ظرفیت‌های دانش گیاه قوم شناسی به دنبال این بود تا از طریق مقایسه تطبیقی میان اقوام لر، ترک و عرب، به درکی چندلایه از رابطه انسان با گیاهان دست یابد. این دانش که در دل تجربه‌های روزمره و تعامل مستقیم با طبیعت شکل گرفته است ظرفیت آن را دارد که در قالب الگوهای مشارکتی به توسعه پایدار منطقه کمک کند. چنین گستره‌ای از کاربرد و انتقال، زمینه‌ای فراهم کرده است تا این دانش در چارچوب‌های نظری نیز مورد توجه قرارگیرد؛ به‌ویژه در حوزه‌هایی همچون «اکولوژی فرهنگی» که به بررسی تعامل فرهنگ و طبیعت در شکل‌گیری نظام‌های دانشی می‌پردازد.

در چارچوب نظری، اکولوژی فرهنگی رویکردی است که تعامل انسان و محیط را در بسترهای فرهنگی و زیستی تحلیل می‌کند و نشان می‌دهد چگونه دانش بومی و نظام‌های دانشی جوامع محلی در پاسخ به نیازهای زیستی و فرهنگی و از خلال سازوکارهای فرهنگی شکل گرفته و در مدیریت معیشت و بهره‌برداری از منابع طبیعی اثرگذار است (راسخی و قربانی، ۱۳۹۵). این رویکرد، نه تنها به غنای علمی مطالعات گیاه‌قوم‌شناسی کمک می‌کند بلکه زمینه‌ساز تعامل میان دانش سنتی و رویکردهای علمی در مدیریت منابع زیستی خواهد بود.

از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به محدود بودن حجم نمونه، دشواری دسترسی به برخی بهره‌برداران و اتکا صرفاً به داده‌های پرسشنامه‌ای ذکر کرد، مطالعات آینده می‌توانند به دنبال رفع این نقص باشند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده از روش‌های کیفی همچون مصاحبه عمیق و تحلیل محتوای قومی استفاده کنند یافته‌های این تحقیق می‌توانند با به‌عنوان پایه‌ای برای توسعه صنایع گیاهی، آموزش‌های محلی و سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

منابع

- براهوئی، منصور. سابکی، ابراهیم. اسلم رئیسی، محمد. احمد رسولی‌زاده، محمد. (۱۴۰۲). «مطالعه اتنوبوتانی و کاربرد سنتی برخی گیاهان دارویی شهرستان ایرانشهر». *نشریه علمی فناوری و گیاهان دارویی*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۳۲-۴۳. doi: 10.22092/MPT.2024.366336.1162
- جلالی، مجید. عابدی، مهدی. قربانی، عبدالباسط. معماریان، فرشید. (۱۴۰۲). «گیاهان خوراکی وحشی مرتعی شهرستان شاهرود مورد مطالعه: مراتع بخش بسطام در شمال شرق استان سمنان». *نشریه علمی تحقیقاتی مرتع و بیابان ایران*، دوره ۳۱، شماره ۲، صص ۱۲۸-۱۳۷. (DOI: <https://doi.org/10.22092/ijrdr.2024.131787>)
- دارابی محبی، محمدعلی. یاری، رضا. فتحی، تکتیم. میرمیران، محبوبه. (۱۴۰۰). «مطالعه دانش بومی و مصارف سنتی برخی گونه‌های کاربردی شهرستان سرایان، استان

خراسان جنوبی». نشریه علمی ترویجی فناوری گیاهان دارویی ایران، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۱۴-۱۳۲. (doi: ۱۰.۲۲۰۹۲/MPT.۲۰۲۲.۳۵۷۹۵۶.۱۰۹۶)

- راسخی، ساره. قربانی، مهدی. مهربانی، علی اکبر. جوادی، سید اکبر. (۱۳۹۵). «بوم‌شناسی فرهنگی در تحلیل دانش بومی و فرهنگ گله‌داری: مطالعه موردی شمال استان فارس، روستای قصر یعقوب». نشریه مطالعات مردم‌شناختی، دوره ۲، شماره ۳، صص ۱۷-۳۷. URL: <http://journal.richt.ir/pc/article-۱۳۶-fa.html>

- رضوی، منصوره. (۱۳۹۳). «مروری بر دانش بومی گیاه‌شناسی، تاریخچه و اهمیت آن». فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۷، صص ۱۴۶-۱۲۷. (DOI: ۱۰.۲۲۰۵۴/QJSS.۲۰۱۵.۱۲۳۵)

- سلیمانی، محدثه. سلطانی آیدغمیشی، آزاده. آرانیان، وحید. (۱۴۰۴). «بررسی دانش بومی و اتنوبوتانی گیاهان دارویی و خوراکی در منطقه محمداًباد کتول مطالعه موردی: مراتع سیاه مرزکوه، استان گلستان». نشریه اقلیم و بوم سازگان مناطق خشک و نیمه‌خشک، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۸-۳۷. (<https://civilica.com/doc/۲۴۷۷۸۹۱>)

- علی‌میرزایی، فهیمه. بهمنش، بهاره. محمدی استاد کلاویه، امین. شهرکی، محمدرضا. (۱۳۹۷). «دانش بومی گیاهان دارویی از دیدگاه بهره‌برداران عشایری در مرتع چهل کمان استان خراسان رضوی». دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۵۸-۱۹۵. (DOI: ۱۰.۲۲۰۵۴/QJIK.۲۰۱۸.۲۹۷۹۹.۱۰۹۲)

- محجوب، فاطمه. کلاهی، مهدی. مودنی، حمید. (۱۴۰۲). «قوم‌گیاه‌شناسی گیاهان مورد استفاده مردم شهرستان جاجرم». نشریه پژوهشی علوم منابع طبیعی ایران. نشریه اکوفیتوشیمی گیاهان دارویی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۶۲-۹۱. (EJMP-۲۳۱۰-۱۷۴۹ (R۱))

- میردیلیمی، زهره. حشمتی، غلامعلی. بارانی، حسین. (۱۳۹۳). «مطالعه اتنوبوتانی و اتنواکولوژی گونه‌های دارویی کچیک مطالعه موردی: مراتع کچیک در شمال شرق

استان گلستان». نشریه دانش‌های بومی ایران، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۳۰-۱۴۰.

(doi: <https://doi.org/10.22054/qjik.2016.1567>)

- یوسفوند، حسن رضا. حائری‌نسب، مریم. (۱۴۰۴). «مستندسازی دانش بومی گیاهان خودرو در میان عشایر منطقه گرین سلسله». دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران، دوره ۱۲، شماره ۲۳، صص ۲۵۵-۲۸۹.

Al-Said, M. S., Tariq, M., Al-Yahya, M. A., Rafatullah, S., Ginnawi, O. T., & Ageel, A. M. (۱۹۹۰). Studies on Ruta chalepensis, an ancient medicinal herb still used in traditional medicine. *Journal of Ethnopharmacology*, ۲۸(۳), ۳۰۵-۳۱۲.

Ashagre, B., & Lulekal, E. (۲۰۲۱). Ethnopharmacological study of traditional medicinal plants used by the people in Metema district, northwestern Ethiopia. *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*, ۱۷(۱), ۴۰.

Jahangeer, M., Siddique Awan, M., Shakeel Awan, M., Minhas, R. A., Saleem, M. M., Ali, U., & Sudhzoi, A. (۲۰۲۴). Ethnoveterinary utilization of medicinal plants in Ghamot National Park Western Himalayas of Azad Jammu and Kashmir, Pakistan. *Ethnobotany Research and Applications*, ۲۸, ۱-۱۷.

Tadesse, D., Masresha, G., & Lulekal, E. (۲۰۲۴). Ethnobotanical study of medicinal plants used to treat human ailments in Quara district, northwestern Ethiopia. *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*, ۲۰(۱), ۷۵, pp. ۱-۲۰.

Tamene, S., Gebrehiwot, K., & Degu, A. (۲۰۲۳). Cross-cultural analysis of medicinal plant part usage among three ethnic groups in Ethiopia. *Ethnobotany Research and Applications*, ۲۸, ۱-۱۵.

Yeşil, Y., Çelik, M., & Yılmaz, B. (۲۰۱۹). Wild edible plants in Yeşilli (Mardin-Turkey), a multicultural area. *Journal of Ethnobiology and Ethnomedicine*, ۱۵(۱), ۵۲, pp. ۱-۱۹.

